

# مفهوم هنر در اعتلای انقلاب های ایران

وحید حسینی

گزارش

شاهنامه، از پدر شعر و زبان پارسی، حکیم ابوالقاسم فردوسی نقل گردیده است که با آب و تاب زیاد آن را سروده و در ذهن‌ها ماندگار کرده است.

من باب نماد شناسی عمیق این داستان در ابعاد زندگی مردمان ایران میشود ساعت‌ها و روزها نشست و نوشت و به واکاوی چنین انقلاب‌هایی در گوشه و کنار این سرزمین پرداخت.

مردمان این سرزمین با هوشیاری کامل برای این داستان که از دل تاریخ این سرزمین بر می‌آمد و با دورنمایه تغییرات عظیم سیاسی در فرمانروایی اساطیر ایرانی و انیرامی همراه بود، نمادی از جنس پرچم ساختند و آن را سرلوحه تمامی اعمال خود و حاکمان قرار دادند و حتی میتوان بر اساس اساطیر بیان داشت که پرچم اولین پادشاهان پیشدادی ایران زمین بر گرفته از حرکت کاوه آهنگر بود که درفش کاویانی نام گرفت.

نمونه ای از نقش مایه‌های اینگونه داستان‌ها که مار جزو جدایی‌ناپذیر آن می‌باشد را می‌توان در قدیمی‌ترین پرچم یافت شده در شهر باستانی شهداد مشاهده کرد که یکی از مهمترین یافته‌های باستان شناسی تمدن بشر در استان کرمان و به عنوان قدیمی‌ترین پرچم یافت شده در دنیا ثبت گردیده است. در این پرچم که جنس آن فلزی است نقش مار به وضوح دیده می‌شود که البته این نقش قرابت زیادی به تمدن‌های همزمان خود مانند جیرفت و سومر داشته اما ظاهراً می‌توان مار را به عنوان یک نماد در همه آثار هنری و ادبی ایران و تمدن سرزمین‌های مجاورش دید که نشان دهنده یکپارچگی معانی این موجودات در فرهنگ‌های مختلف یوده است. نقش عقاب بر سر میله این پرچم نیز در درفش کاویانی هخامنشیان نیز قرار داشته است.

بر اساس این موضوع می‌توان به صراحت بیان داشت که بی‌شک خواست مردمان این سرزمین از فرمانروایانشان جز عدل و داد، برادری و برابری چیز دیگری نبود و هرگاه آنها از این مفاهیم بنیادی عدول می‌کردند، مردمان آنها درفشی به خون خواهی و عدل برپا می‌کردند.

این مفهوم انقدر مهم گشته بود که نه تنها نقش آن را مکرر در ادبیات نوشتاری و گفتاری می‌توان دید بلکه دستمایه نقوش در هنرهای جانبی و کاربردی ای همچون نگارگری، نقش برجسته و ... در دوره‌های مختلف تاریخی این سرزمین شده بود.

از این رو می‌توان گفت، با توجه به اینکه ذات هنر با تجسم جلای روحی و معنوی انسان گره خورده پس استفاده از مفاهیم با ارزش انسانی ای از این دست، یک واقعیت انکار ناپذیر بوده و نگاه قهرمانانه، مردانگی و رهبری یک فرد را می‌توان در اکثر هنرهای تجسمی مشاهده کرد.

روند این تعالی و آزاد خواهی نیز در ایران پس از اسلام با ذات عدالت خواهانه و مردانه پیامبر اسلام گره خورد و مصداق مردانگی راه رفتار و منش او و یاران و اصحابش دانستند و برای ثبت این مهم، نویسندگان و هنرمندان باز دست بکار شدند تا ماندگاری و

با فرا رسیدن چهل و سومین سالروز انقلاب اسلامی ایران، این روزها باز شور و شوق دیگری در افکار تاریخی مردمان این سرزمین جاری شده است. ایران سرزمینی پر از تلاطم و با همت بوده که همواره توانسته با تکیه بر مردمان شجاع و با انگیزه خود را از تنگناهای تاریخی بیرون کند و نام خود را بر فراز این پهنه عظیم از کره خاکی حفظ نماید.

روزگاری بسیار قدیم مردمانی در فلات مرکزی ایران می‌زیستند که هیچ تعریفی از پهنای سرزمین و حفظ یک نام برای گستره خود نداشتند و تنها دغدغه آنها نگرانی از حریم پیرامون خود در برابر قبایل و تهاجم مردمان و همسایگان خود بود.

شاید تدام زندگی در این بخش از کره خاکی باعث شد که نسل اندر نسل این قبایل برای گسترش قلمرو خود با هم متحد شوند و نامی یک رنگ و با معنایی از جنس راستی و بزرگی بر خود بنهند. البته تاریخ شکل‌گیری این نام در تاریخ مشخص است و ریشه در مردمانی دارد که مودت و نزدیکی زیادی با این نام یعنی آریاییان داشته است.

آری، ایران به معنی سرزمین و جایگاه بزرگان معنی می‌شود که هزاران سال است این لقب را با برازندگی با مردمانش یدک می‌کشد. این سرزمین همواره در مام خود مردمانی را پرورانده که فقط جایگاه مردمان بزرگ و درستکار بوده و هرگاه که در این قلمرو عرصه جولان فرمانروایانی نااهلان بر این سرزمین باز می‌شد، تاریخ روی خود را به آن حاکمان و سلاطین نشان می‌داد و با مشت محکمی که برگرفته از دل مردمانش بود، انقلاب‌هایی برای اصلاح بوجود می‌آورد.

این موضوع را به سادگی می‌توان با نگاهی به روق‌های تاریخی این سرزمین و با روی کارآمدن سلسله‌های متفاوت بر این سرزمین متوجه شد.

انقلاب مردمی در این سرزمین ریشه در اساطیر دارد و مردمان این حرکت جسورانه و متهورانه را به عنوان یک اصل به فرزندان خود نسل به نسا با شعر و ادب می‌آموختند و سعی میکردند که اساطیر را برای آنها الگوی رفتاری عدالت خواهانه در برابر ظلم و جور کنند. مهمترین انقلاب مردمی تاریخ اساطیر این سرزمین، انقلاب کاوه آهنگر در مقابل ضحاک مار بدوش بود که پیدایش این موضوع انقدر دیرینگی و عمیق بوده که دستمایه تمامی اقشار جامعه کهن ایرانی گردیده بود.

در این سرزمین هرگاه خردمندی و راستی نماند و خرافات و گزند آشکار، انقلابی از دل مردمان بپا میخواست.

داستان ظلم ضحاک و فریدون و انقلاب کاوه در اساطیر ایران انقدر مهم میباشد که داستانی شگرف با درون مایه ای قوی هم برای کتب خطی پیش از اسلام بود و هم به عنوان پنجمین داستان